

دکتر دیوید ترنر، انجیل یوحنا، جلسه ۱۸

یوحنا ۱۶:۱۶-۱۷:۲۶

دیوید ترنر و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

این دکتر دیوید ترنر و آموزه‌های او در مورد انجیل یوحنا است. این جلسه ۱۸، سخنرانی خداحافظی آموزه‌هایی در مورد غم و اندوه و دعای پایانی است. یوحنا ۱۶:۱۶-۱۷:۲۶.

به چهارمین و آخرین ویدیوی ما در مورد سخنرانی خداحافظی، یوحنا ۱۳ تا ۱۷ خوش آمدید. ما به این سخنرانی به عنوان سخنرانی‌ای نگاه کرده‌ایم که به اصطلاح توسط یک مقدمه قاب‌بندی شده است، که در آن عیسی برای شاگردان، نوع ارزش‌هایی را که اکنون آموزش می‌دهد، الگو قرار می‌دهد و ماهیت فروتنی واقعی و اینکه آنها باید مایل به خدمت فروتنانه به یکدیگر باشند را به آنها نشان می‌دهد. بنابراین، ما به طور خاص از پایان فصل ۱۳، آیه ۳۱، تا ۱۶۳۳ به سخنرانی نگاه کرده‌ایم و چیزی داریم که در اینجا آن را پس‌درآمد می‌نامیم.

مطمئن نیستم که این بهترین اصطلاح باشد، اما این گفتمان با شفاعت عیسی برای شاگردان به پایان می‌رسد. بنابراین، آنها می‌بینند که او برای آنها ماهیت فروتنی واقعی را به نمایش می‌گذارد، و شستن پاهایشان نیز نمادی معنوی از پاک شدن از گناه است. بنابراین، او به آنها در مورد روحی که خواهد آمد و آنها را تجهیز خواهد کرد، آموزش می‌دهد و همانطور که رابطه خود را با آنها نهایی می‌کند، اگر بخواهید، آن را با دعای شفاعت مهر و موم می‌کند.

بنابراین، فکر می‌کنم، این روش کلی است که ما به وسیله آن به سخنرانی خداحافظی در یوحنا، فصل‌های ۱۷ تا ۱۹، نگاه می‌کنیم. اکنون در حال اتمام سخنرانی هستیم و در اواسط فصل ۱۶ هستیم و متوجه ۱۳ می‌شویم که چگونه پس از اینکه عیسی با شاگردان در مورد ماندن در او به عنوان تاک و شاخه‌ها صحبت کرد و با آنها واقع‌بینانه در مورد آزار و اذیتی که بر سر راهشان خواهد آمد صحبت کرد و همزمان با آنها در مورد نحوه کمک روح‌القدس به آنها در شهادتشان به جهان صحبت کرد، اکنون او برای آنها دعا خواهد کرد و اگر بخواهید، آنها را پس از مصائب خود خواهد فرستاد.

همانطور که عیسی با آنها در مورد کار روح صحبت می‌کرد، آیه‌ای وجود دارد که فکر می‌کنم تا حدودی در اینطور ترجمه شده است که عیسی در ادامه می‌گوید، NIV فصل ۱۶، آیه ۱۶، تغییر کرده است. در ترجمه اگر از کتاب مقدسی استفاده می‌کنید که اتفاقاً حروف قرمز دارد، مطمئن نیستم که کاملاً آنها را دوست داشته باشم، اما گاهی اوقات مفید هستند، می‌توانید از سال ۱۶۱۶ تا فصل ۱۴ و آیه ۲۲ به عقب نگاه کنید تا آخرین حروف سیاه را ببینید. اینجاست که یهودا، نه یهودای اسخریوطی، بلکه آن دیگری، از عیسی می‌پرسد که چرا قرار نیست علنی شود و چرا قرار نیست خود را به جهانیان نشان دهد.

بنابراین اساساً، از آن زمان، ۱۴:۲۳، عیسی مستقیماً با شاگردان صحبت می‌کرده است، بدون هیچ وقفه یا سؤال یا اتفاق دیگری. در پایان فصل ۱۴، در آیه ۳۱، جایی که عیسی می‌گوید، بیاوید، برویم، و آنها در حال حرکت به مکانی متفاوت هستند که ما هنوز دقیقاً مطمئن نیستیم کجا خواهد بود. بنابراین، از زمان آن سؤال یهودا، و اکنون ۱۶:۱۶، به نوعی، فکر می‌کنم، گذار به بخش بعدی گفتمان است، عیسی در ادامه گفت، و ما اینجا یک گفته از او داریم، کمی بعد مرا خواهی دید، نه بیشتر از کمی بعد مرا خواهی دید، که فکر می‌کنم ما را به آخرین بخش از آموزه‌های عیسی در مورد آینده و آنچه در بر خواهد داشت، منتقل می‌کند و ما را به دعای او رهنمون می‌سازد.

بنابراین، اگر فقط کاری را که همیشه اینجا انجام داده‌ایم انجام دهیم و به نحوه‌ی روایت برای خودمان توجه کنیم، شاگردان این تعلیمی را که عیسی در آیه‌ی ۱۶:۱۶ داده است، درک نمی‌کنند. بنابراین، آنها آشکارا با زبان بدن، حالت چهره، بالا انداختن شانه‌ها و زمزمه کردن با یکدیگر نشان می‌دهند که منظور او را نمی‌فهمند. منظورت چیست، کمی؟ این چه کاری است؟ بنابراین، عیسی از این موضوع آگاه است و بنابراین متوجه می‌شود که آنها به توضیح بیشتری در این مورد نیاز دارند.

بنابراین، در آیه ۱۹ می‌خوانیم، عیسی دید که آنها می‌خواهند در این مورد از او سوال کنند، بنابراین به آنها گفت، آیا از یکدیگر می‌پرسید منظور من از اینکه گفتم، کمی بعد مرا خواهید دید، و بعد از مدتی دیگر مرا نخواهید دید، و بعد از مدتی دیگر مرا خواهید دید، چیست؟ بنابراین، بخش اول این بخش از فصل ۱۶ به همین سوال می‌پردازد، و عیسی بیشتر و بیشتر، به گمانم می‌توانیم بگوییم، در مورد آنچه که در موردش صحبت می‌کند، واضح و روشن می‌شود، و در سخنانش صریح‌تر و واضح‌تر می‌شود. بنابراین، حدس می‌زنم این به نوعی در آیه ۲۸ به اوج خود می‌رسد، جایی که عیسی گفت، من از جانب پدر آمده‌ام و وارد جهان شده‌ام.

عیسی خیلی واضح به آنها می‌گوید که او می‌رود، ABBA پدر بازمی‌گردم. بنابراین، با این نوع تشبیه از نوع که این امر پاسخی از جانب آنها را به دنبال دارد. بنابراین، ما شاگردان را داریم که سوالی مطرح می‌کنند و عیسی به آن پاسخ می‌دهد، و اکنون شاگردان در آیات ۲۹ و ۳۰ به عیسی پاسخ می‌دهند.

حالا شما خیلی ساده و بدون استعاره به ما می‌گویید. کلمه استعاره اینجا در آیه ۲۹ همان کلمه‌ای است که زبان مجازی، یک تمثیل، یک روش بیان مجازی. بنابراین، آنها در آیه ۳۰، paroimea، در فصل ۱۰ دیدیم ادامه می‌دهند، اکنون می‌توانیم ببینیم که شما همه چیز را می‌دانید و حتی نیازی ندارید کسی از شما سؤال بپرسد.

این باعث می‌شود ما باور کنیم که تو از جانب خدا آمده‌ای. بنابراین، در پاسخی دلگرم‌کننده از سوی آنها می‌گویند: «حالا که فهمیده‌ای درباره چه چیزی صحبت می‌کنی، بیش از هر زمان دیگری تمایل داریم که به تو ایمان بیاوریم.» سپس عیسی بار دیگر به آنها پاسخ می‌دهد.

بنابراین، ما این الگو را داریم که اینجا اتفاق می‌افتد، به نوعی بین اینکه آنها سوالی مطرح می‌کنند و او پاسخ می‌دهد. بنابراین، او می‌گوید، آیا واقعاً الان ایمان دارید؟ بنابراین، حدس می‌زنم عیسی کمی در مقابل این موضوع قرار گرفته است. آیا مطمئن هستید که این را فهمیده‌اید یا نه؟ به عبارت دیگر، او ادامه می‌دهد که زمانی فرا می‌رسد، و در واقع اکنون فرا رسیده است.

بنابراین، این نوع زبانی است که قبل از بازگشت به فصل پنجم، جایی که نوعی آخرالزمان تحقق یافته را داریم متوجه شده‌ایم. عیسی می‌گوید زمان آن فرا رسیده است، زمانی در حال آمدن است، در واقع، اکنون نزدیک است که شما پراکنده خواهید شد. بنابراین، عیسی در اینجا کمی آخرالزمان تحقق یافته را با آزار و اذیت انجام می‌دهد و می‌گوید زمانی در آینده وجود خواهد داشت که شما با مشکلاتی روبرو خواهید شد، مورد آزار و اذیت قرار خواهید گرفت.

در واقع، اکنون زمان آن فرا رسیده است که این اتفاق بیفتد. هر کدام به خانه خود بروید، مرا تنها خواهید گذاشت، اما من تنها نیستم، زیرا پدر با من است. این چیزها را به شما گفته‌ام تا در من آرامش داشته باشید.

در دنیا با مشکلات روبرو خواهید شد، اما دل قوی دارید، من بر دنیا غلبه کرده‌ام. به نظر من، این یکی از نکات برجسته کل انجیل یوحنا است. تقریباً می‌توان گفت که آخرین کلمات عیسی است که مستقیماً در تعلیم عمومی به شاگردان گفته شده است.

در انجیل یوحنا، او بر جهان غلبه کرده است. و بنابراین، من فکر می‌کنم این یک مضمون مهم یوحناپی در این انجیل و در کل مطالب مربوط به یوحنا است. بعداً برگردیم و در مورد آن بیشتر صحبت کنیم.

بنابراین، سپس به فصل ۱۷ می‌رسیم، که اساساً دعایی شگفت‌انگیز است که در آن عیسی به نوعی رابطه خود با پدر را از نظر جلال آسمانی بازگو می‌کند. در آیات ۱۷، یک تا پنج، او مستقیماً برای شاگردانش که در کنار او هستند دعا می‌کند. در آیات ۶ تا ۱۹، سپس در پایان دعا برای کسانی که از طریق شهادت شاگردان اولیه‌اش به او ایمان خواهند آورد، شروع به دعا می‌کند.

فصل ۱۷، آیات ۲۰ تا ۲۶. این خلاصه‌ی متن است. از نظر ساختار، فکر می‌کنم قبلاً اشاره کردیم، شاید این کمی روشن‌تر کند که عیسی در طول آزار و اذیت تا سال ۱۶۱۵ در مورد شهادت روح و شهادت آنها صحبت کرده است.

بنابراین، او اکنون در سال ۱۶۱۶ بیانیه انتقالی را بیان می‌کند، دیگر مرا نخواهید دید و سپس مرا خواهید دید. این آنها را گیج می‌کند. بنابراین، آنها به نوعی در مورد آن با یکدیگر صحبت می‌کنند.

بنابراین، او به ابهام و احساس آنها پاسخ می‌دهد و سپس شروع به توضیح بسیار واضح آنچه اتفاق می‌افتد، برایشان می‌کند. بنابراین، اگر با آیه ۱۶:۱۶ مقایسه کنید، مدتی مرا نخواهید دید و سپس مرا خواهید دید به آنچه او مستقیماً می‌گوید، من دنیا را ترک می‌کنم و به سوی پدر می‌روم. این به خوبی به نتیجه‌گیری می‌رسد، که آنها را راضی می‌کند و آنها منظور او را می‌فهمند، که باز هم، او این بار به نظرات آنها پاسخ می‌دهد.

بنابراین، ابهام و عدم شفافیت منجر به پاسخ او می‌شود، که باعث می‌شود آنها بگویند، حالا ما آن را دریافتیم، حالا شفافیت وجود دارد. بنابراین، او به شفافیت آنها پاسخ می‌دهد. بنابراین، او به عدم شفافیت پاسخ می‌دهد و به شفافیتی که به دست آمده است پاسخ می‌دهد و دوباره بسیار واقع‌بینانه در مورد موقعیت صحبت می‌کند و سپس در فصل ۱۷ برای آنها دعا می‌کند.

برخی از ایده‌های کلیدی که فکر می‌کنم می‌خواهیم اینجا به آنها فکر کنیم و اگر وقت اجازه دهد، یک بار دیگر در مطالعه‌ی بیشتر به آنها توجه کنیم و شاید روی آنها تمرکز کنیم، واقعیت غم و اندوه است. قبلاً در آیه‌ی ۶ از باب ۱۶، ببخشید، باب ۱۶ ذکر شده است که شما از غم و اندوه پر شده‌اید زیرا من این چیزها را به شما گفته‌ام. بنابراین اساساً، شما از رفتن من پر از غم و اندوه هستید و این با این واقعیت که به شما گفته‌ام اوضاع دشوار خواهد بود، تشدید می‌شود.

بنابراین، او بار دیگر در آیات ۲۰ تا ۲۲ به این موضوع بازمی‌گردد. اکنون زمان غم و اندوه شماست، اما من دوباره شما را خواهم دید و شما شاد خواهید شد و هیچ کس شادی شما را از بین نخواهد برد. و آن روز دیگر از من چیزی نخواهید پرسید.

به راستی، به شما می‌گویم، پدر من هر آنچه را که به نام من بخواهید، به شما خواهد داد. تاکنون چیزی به نام من نخواست‌اید، و آن را دریافت خواهید کرد تا شادی شما کامل شود. بنابراین، به نظر می‌رسد که عیسی در آنجا می‌گوید که اگرچه غمگین و سوگوار هستید، آیه ۲۲، دوباره شما را خواهم دید و شاد خواهید شد.

بنابراین، به گمان من، ساده‌ترین راه برای درک این موضوع، این است که ببینیم عیسی پس از رستاخیز به آنها می‌گوید: «من دوباره بر شما ظاهر خواهم شد.» اما کلماتی که در ادامه آیه ۲۲ آمده، به نظر می‌رسد که

شاید او درباره چیزی ماندگارتر از این صحبت می کند. او می گوید: «در آن روز، دیگر از من چیزی نخواهید پرسید.»

پدر هر چه به نام من بخواهید به شما خواهد داد. به نظر می رسد این جمله کاملاً بی پایان است. و بنابراین ممکن است به این معنی باشد که عیسی زیاد در مورد دیدن دوباره آنها شخصاً پس از رستاخیز صحبت نمی کند، بلکه در مورد رابطه مداوم خود با آنها از طریق روح القدس از آن به بعد صحبت می کند.

نه فقط یک دوره نسبتاً کوتاه پس از زمان رستاخیز. بنابراین، غم و اندوه وجود خواهد داشت، اما آن غم و اندوه از بین خواهد رفت زیرا آنها دوباره عیسی را خواهند دید. آنها متوجه خواهند شد که رابطه شان با او تمام نشده است.

او پس از رستاخیز برای دیدن آنها باز خواهد گشت. و من فکر می کنم بخش دیگری از آن این است که او از طریق روح القدس به رابطه خود با آنها ادامه خواهد داد. بنابراین، در کنار غم و اندوه، واقعیت آزار و اذیت نیز وجود دارد.

بنابراین، همانطور که در نیمه دوم فصل ۱۵ متوجه شدیم، در پایان فصل ۱۶ مطالب زیادی در مورد آزار و اذیت می خوانیم. عیسی به نوعی همه اینها را در این کلمات در فصل ۱۶ آیه ۳۲ خلاصه می کند. زمان فرا می رسد.

این حقیقت فرا رسیده است که شما پراکنده خواهید شد. این به وضوح نشان می دهد که وقتی عیسی دستگیر شود چه اتفاقی خواهد افتاد. و ما در ویدیوی بعدی خود در فصل ۱۸ در مورد آن خواهیم خواند.

پس هر یک از شما به خانه های خود پراکنده خواهید شد. مرا تنها خواهید گذاشت. اما من تنها نیستم زیرا پدرم با من است.

و به نظر می رسد اینجا نوعی تشبیه بین عیسی و آنها وجود دارد. زمانی فرا می رسد که آنها مورد آزار و اذیت قرار می گیرند. آنها احساس تنهایی خواهند کرد، اما اینطور نیست زیرا عیسی از طریق روح با آنها خواهد بود.

همانطور که خود عیسی وقتی شاگردان پراکنده شدند و او را تنها گذاشتند، تنها نبود زیرا پدر با او بود. من این چیزها را به شما گفته ام تا در من آرامش داشته باشید. جالب است که ما اغلب کلمه آرامش را طوری تصور می کنیم که انگار آرامش به معنای فقدان هرگونه آشفتگی، مبارزه یا مشکل و سختی است.

ما می گوئیم کاش می توانستیم آرامش داشته باشیم. منظورمان این است که کاش مشکلات زندگی از بین می رفت. مطمئناً منظور عیسی در اینجا وقتی از آرامش صحبت می کرد، این نبود، زیرا او در ادامه گفت که در دنیا با مشکل مواجه خواهید شد.

بنابراین، نوع گفتاری که عیسی توصیف می کند، به معنای نبود مشکلات یا نبود دشواری ها یا روان بودن همه چیز نیست. در دنیا، شما با مشکل مواجه خواهید شد. بنابراین، تقریباً مانند نحوه تفکر ما در مورد صلح و مشکلات، عیسی با خودش در تناقض است.

این چیزها را به تو گفتم تا آرامش داشته باشی. در دنیا، تو مشکل خواهی داشت. تقریباً مثل این است که بخواهیم یک «اما» آنجا بگذاریم.

اما هیچ امایی وجود ندارد. اما بعد از آن می‌آید که در دنیا به دردسر خواهی افتاد. در دنیا، به دردسر خواهی افتاد.

اما با شجاعت بگو که اگر درک کنی که من بر دنیا غلبه کرده‌ام، می‌توانی در میان مشکلات آرامش داشته باشی. من بر دنیا غلبه کرده‌ام. این، واقعیت غم و اندوه و واقعیت آزار و اذیتی را که به آن نگاه می‌کردیم، با واقعیت آرامش خاطر پیوند می‌دهد.

شما می‌توانید در میان تمام این آزمایش‌ها آرامش خاطر داشته باشید. یوحنا ۱۴ پیش از این با ما در مورد اینکه نگذاریم قلب‌هایمان آشفته شود صحبت کرده است. فصل ۱۴ و آیات ۱ و ۱۴:۱۷ به طور مشابه می‌گویند که جهان نمی‌تواند روح حقیقت را بپذیرد زیرا او را نمی‌شناسد و نمی‌بیند.

اما تو او را برای کسانی که با تو هستند می‌شناسی و او در تو خواهد بود و من به تو آرامش خواهم داد. آیه در واقع همان آیه‌ای است که من به دنبال عذرخواهی‌های آنها بودم. آرامش، من با تو زندگی می‌کنم ۲۷.

با خودت برو. من آرامش را به تو می‌دهم. من آنطور که دنیا می‌دهد به تو نمی‌دهم.

دلت مضطرب نشود و نترس. بنابراین، اگر نصیحت ۱۴:۱ را با نصیحت ۲۷ و ۲۸ ترکیب کنید و ۱۶:۳۳ را به آن ربط دهید، می‌توانید ببینید که عیسی در مورد لزوم داشتن قلبی آرام، قلبی که به خدا وابسته است و با فراز و نشیب‌های شرایط به این سو و آن سو نمی‌رود، به آنها چه می‌گوید. و چیزی که به نظر من این را ممکن می‌سازد که به چیزی معنا بدهد، واقعیت پیروزی در اوست.

این ایده غلبه بر جهان، واقعیت پیروزی در یوحنا ۱۶:۳۳، به نظر من موضوع مهمی است، زیرا این یک مضمون یوحنایی است که در جاهای دیگر انجیل و نامه‌ها و حتی در آخرالزمان خواهیم دید. می‌توانیم لحظه‌ای به ردیابی این مضمون بپردازیم. فکر می‌کنم بعد از اینکه به شاگردان گفتیم: «شاد باشید، شما مشکلاتی خواهید داشت، اما من بر جهان غلبه کرده‌ام»، برای ما مفید باشد.

سپس عیسی با مرگ، تدفین و رستاخیز خود بر جهان غلبه می‌کند و با تجهیز آنها به روح القدس در فصل آنها را مجهز می‌کند تا بتوانند در جهان به خوبی به او خدمت کنند. و این تمام چیزی است که ما در ۲۰ مورد این موضوع در انجیل یوحنا می‌بینیم. برای کسانی که انجیل یوحنا و سپس نامه‌های یوحنا، به ویژه رساله اول یوحنا، را می‌خوانند، کاملاً واضح است که از نظر مفهومی بین انجیل و نامه‌ها همبستگی زیادی وجود دارد.

بنابراین، ما از یوحنا و این نظر عیسی که من بر جهان غلبه کرده‌ام و شما با وجود مشکلاتی که با آن روبرو هستید، در من آرامش خواهید داشت، به روشی که یوحنا اول از ایده غلبه استفاده می‌کند، نگاه می‌کنیم. بنابراین، ما به نوعی ایده فعل نیکائو در یونانی و اسم نیککی را دنبال می‌کنیم که حتی به خدای یونانی نیکه الهه خدای پیروزی و ایده غلبه و پیروزی در نبرد، برمی‌گردد. بنابراین وقتی به یوحنا اول، به ویژه فصل ۵ نگاه می‌کنیم، در آنجا می‌خوانیم که مؤمنان ظرفیت غلبه بر جهان را دارند.

بنابراین، هر که از خدا مولود شده است (اول یوحنا ۵:۱) مرا ببخشید، هر که ایمان دارد عیسی مسیح است، از خدا مولود شده است. هر که پدر را دوست دارد، فرزند او را نیز دوست دارد. اینگونه است که ما با دوست داشتن خدا و انجام فرامین او می‌دانیم که فرزندان خدا را دوست داریم.

در واقع، این عشق به خداست که از فرامین او پیروی کند و فرامین او باری سنگین نیستند. هر که از خدا زاده شده باشد، بر دنیا غلبه می‌کند و این پیروزی است که بر دنیا غلبه می‌کند. حتی ایمان ما نیز چنین است. چه کسی بر دنیا غلبه می‌کند، جز آنکه ایمان دارد که عیسی پسر خداست.

بنابراین، به این ترتیب، نامه اول یوحنا به پیروزی عیسی اشاره می‌کند که به گفته او با اشتیاق به صلیب به آن دست یافته است. من بر دنیا غلبه کرده‌ام و می‌گویم کسی که به عیسی ایمان دارد، بر دنیا نیز غلبه کرده است. بنابراین، ما با ایمان خود در پیروزی مسیح شریک هستیم.

گاهی اوقات این را شنیده‌ام که این‌طور تفسیر شده که برخی از مسیحیان فوق‌العاده بر جهان غلبه کرده‌اند. آنها فاتحان هستند. آنها نوعی سطح ویژه از ایمان یا سطح ویژه‌ای از برکت خداوند دارند که آنها را از دیگران متمایز می‌کند.

آنها مثل قشر بالای مسیحیان هستند. نمی‌دانم، سخت است که به این موضوع از نظر نظامی فکر نکنیم. آنها نیروهای ویژه هستند.

آنها کلاه سبزها هستند. آنها هر چیزی هستند. اما برای من واضح است که روشی که یوحنا در مورد این موضوع صحبت می‌کند، این نیست که مسیحیان خاصی هستند که این را دارند.

اما هر کسی که به عیسی ایمان داشته باشد، در پیروزی او شریک است. طبق اول یوحنا فصل ۵ آیات ۴ و همچنین ممکن است به یاد داشته باشید که در آخرالزمان کتاب مکاشفه نیز به غلبه کردن اشاره شده. ۵. است. و ما می‌توانیم چنین اشاراتی را حتی در فصل ۵ آیه ۵ نیز بیابیم که فکر می‌کنم به ما کمک می‌کند دقیقاً بفهمیم اصل ماجرا چیست.

به یاد دارید که فصل‌های ۴ و ۵ کتاب مکاشفه، رؤیایی از عرش آسمانی است. و ما موجودات فرشته‌ای مختلفی داریم که آشکارا نماینده کلیسا هستند. ما گروهی به نام ۲۴ رهبر داریم.

بنابراین، یکی از بزرگان به من گفت مکاشفه 55 گریه نکن. بین نسب قبيله يهودا، ریشه داوود، بسیاری از تصاویر عهد عتیق در اینجا پیروز شده است. البته، کلمه پیروز شده در اینجا در 55 همان چیزی است که عیسی در یوحنا 16:33 گفت.

من بر جهان غلبه کرده‌ام. بنابراین، او قادر است طومار و هفت مهر آن را باز کند. با در نظر گرفتن این نکته، بار دیگر تأکید می‌کنیم که عیسی با کار رستگاری‌بخش خود بر جهان غلبه کرده است.

در پایان تقریباً تمام نامه‌ها به هفت کلیسا، به ما یادآوری می‌شود که وعده‌ای به فاتحان داده شده است. ما وقت نمی‌گذاریم تا تک تک آنها را بررسی کنیم.

اما در تمام آن هفت نامه به «غالب» نیز اشاره شده است. بنابراین، شایسته است که بفهمیم و مطالعه کنیم و کمی در مورد مفهوم این ایده که «من بر جهان غلبه کرده‌ام» چیست، تأمل کنیم. اما با توجه به این موضوع، شایسته است که در مورد منظور عیسی از «جهان» نیز فکر کنیم.

بنابراین، اگر او بر جهان غلبه کرده است، منظورش از اینکه من بر جهان غلبه کرده‌ام چیست؟ اغلب وقتی به اصطلاح جهانی که امروز در مورد آن صحبت می‌کنیم فکر می‌کنیم، می‌گوییم خب شاید منظومه شمسی یا شاید سیاره باشد. یا چیزی شبیه به آن، یک ماده یا نوعی موجودیت فضایی.

و فکر می‌کنم جاهایی در انجیل یوحنا از کلمه «جهان» استفاده شده که شاید چنین دلالت‌هایی داشته باشد. اما تمرکز اصلی انجیل یوحنا چندان روی این موضوع نیست، هرچند که گهگاه چنین چیزی وجود دارد. تمرکز انجیل یوحنا بیشتر روی این است که جهان یک موجودیت اخلاقی است.

این نوعی موجودیت، یک سیستم، مجموعه‌ای از ایده‌ها است که دارای مضامین اخلاقی هستند و معمولاً دارای مضامین اخلاقی بد هستند. بنابراین، وقتی عیسی می‌گوید من بر جهان غلبه کرده‌ام، فکر می‌کنم او در مورد چیزهایی صحبت می‌کند که در جای دیگری از یوحنا متوجه آنها می‌شویم. بنابراین، ما در جای دیگری از یوحنا می‌دانیم که جهان توسط خدا آفریده شده است.

او آمد، جهان را آفرید، او در جهان بود و جهان توسط او ساخته شد. با این حال، جهان او را شناخت، نه اینکه واقعاً نمی‌خواست با او کاری داشته باشد. و اخیراً در متن ما، ما با فصل ۱۴ انجیل یوحنا سر و کار داریم، زمانی که عیسی روح حقیقت را معرفی می‌کند.

او در آیه ۱۷:۱۴ می‌گوید که جهان او را نمی‌پذیرد زیرا نه او را می‌بیند و نه می‌شناسد. بنابراین، این جهان با روح خدا که عیسی می‌فرستد، دشمنی می‌کند. ما کمی بیشتر به گفتمان اینجا، یعنی آیات ۱۸ و ۱۹، نگاه می‌کنیم.

اگر دنیا از شما متنفر است، به خاطر داشته باشید که اول از من متنفر بوده است. اگر به دنیا تعلق دارید، شما را مانند فرزندان خود دوست خواهد داشت. اما در حال حاضر، شما به دنیا تعلق ندارید.

اما من تو را از جهان برگزیده‌ام. به همین دلیل است که جهان از تو متنفر است. بنابراین بدیهی است که به این معنا وجود دارد که هر انسانی، چه مسیحی باشد چه نباشد، بخشی از جهان است.

اما به یک معنا وقتی مردم پیرو عیسی می‌شوند، پیرو یک سیستم ارزشی می‌شوند، یک ناجی که ارزش‌هایی را تجسم بخشیده که با ارزش‌های جهان در تضاد است. بنابراین، عیسی می‌گوید جهان از شما متنفر است زیرا ابتدا از من متنفر بود. البته، متون دیگری نیز وجود دارند که همین جا در گفتمان اتاق بالا، معانی ضمنی مشابهی دارند.

فصل ۱۶ و آیه ۲۰. فصل ۱۷ آیات ۱۴ و ۲۵ و ۲۰ می‌گوید اکنون زمان غم و اندوه شماست. ببخشید، این است. به شما می‌گویم که گریه خواهید کرد و سوگواری خواهید کرد در حالی که جهان شادی ۲۰ و ۱۶ ۲۲ می‌کند.

او طوری وانمود می‌کند که انگار این واکنشی به غیبت عیسی در مصلوب شدن خواهد بود. شما غمگین خواهید شد، اما غم شما به شادی تبدیل خواهد شد (۱۶:۲۰). (در فصل ۱۷ آیه ۱۴، او در میان دعایش به «پدر می‌گوید»: «من به آنها که شاگردان هستند، داده‌ام».

من کلام تو را به آنها داده‌ام و جهان از آنها متنفر بوده است، زیرا آنها از جهان نیستند، همانطور که من از جهان نیستم. بنابراین، به نوعی می‌توان گفت که تغییر اخلاقی کاملی که ما به عنوان پیروان عیسی دریافت کرده‌ایم، ما را به افرادی تبدیل می‌کند که با ارزش‌ها و فلسفه‌های دنیوی در تضاد هستیم و بنابراین شیوه زندگی متفاوت ما مورد قدردانی آنها نیست. ۱۷:۲۵ ای پدر عادل، اگرچه جهان تو را نمی‌شناسد.

من شما را می‌شناسم. شاید شما هم با متن اول یوحنا فصل ۲ که در مورد جهان به زبانی مشابه صحبت می‌کند، آشنا باشید. احتمالاً باید لحظه‌ای وقت بگذارید و به آن متن نگاهی بیندازید تا وحدت موضوعی

رساله‌ها و انجیل یوحنا را دنبال کنید. اول یوحنا فصل ۲ و آیه ۱۵. دنیا یا هر چیزی در دنیا را دوست نداشته باشید.

اگر کسی دنیا را دوست داشته باشد، عشق به پدر در او نیست. همه چیز در دنیا، شهوت جسم، شهوت چشم و غرور زندگی از پدر نمی‌آید، بلکه از دنیا می‌آید و دنیا و خواسته‌هایش از بین می‌روند، اما هر که اراده خدا را انجام دهد، برای همیشه می‌ماند. بنابراین، این عبارت سه‌گانه در اینجا در مورد آنچه در دنیا وجود دارد، شهوت جسم، شهوت چشم و غرور زندگی است، هرچند که بخواهید آن را به وضعیت شهوت‌پرستی تجزیه کنید، فقط ایده غرور، همه این چیزها با ارزش‌های خدا و... در تضاد هستند. نامه اول یوحنا به وضوح بیان می‌کند که این چیزها با آموزه‌های عیسی و ارزش‌هایی که او به ما داده است، سازگار نیستند. بنابراین دنیا یک موجودیت اخلاقی است که با خدا دشمنی می‌کند و از آن بدتر، توسط شیطان اداره می‌شود.

بنابراین، عیسی در چندین متن از انجیل یوحنا از فصل ۱۲ به بعد، از شیطان به عنوان شاهزاده یا حاکم این جهان یاد می‌کند. ما اخیراً در متن خودمان در یوحنا ۱۶، آیه ۱۱ و یوحنا ۱۶، شاهد چنین چیزی هستیم. من فکر می‌کنم عیسی با توجه به صلیب صحبت می‌کند. این همان چیزی است که برای شیطان و کسانی که با او مخالفت می‌کنند، اتفاق خواهد افتاد. در میان دعای او که در فصل ۱۷ آیه ۱۵ آمده است، دعای من این نیست که آنها را از جهان بیرون ببری، بلکه این است که آنها را از شریر محافظت کنی. این بدان معناست که محافظت از شاگردان عیسی در برابر ارزش‌های جهانی که با خدا دشمنی دارند، شامل محافظت از آنها در برابر شریر است، شریری که در جای دیگری از یوحنا به عنوان حاکم جهان توصیف شده است. کتاب اول یوحنا با کلماتی شبیه به این پایان می‌یابد: تمام جهان در شریر نهفته است. ما فرزندان خدا هستیم، اما تمام جهان تحت سلطه اقتدار حکومت شریر قرار دارد.

بنابراین در اینجا ما به وضوح این دوگانگی، این دوگانگی بین ارزش‌های اخلاقی عیسی که ارزش‌های پدر هستند و ارزش‌های اخلاقی جهان که ارزش‌های شیطان هستند را داریم و بنابراین عیسی به مؤمنان به عیسی هشدار می‌دهد که باید از جهان برحذر باشند و بدانند که قرار نیست دوست آنها باشد. بنابراین کیهان، جهان جای بدی است، اگرچه توسط عیسی خلق شده است، اما با او دشمن است و حاکم آن دشمن اصلی خداست، بنابراین، در این مرحله انتظار دارید چیزی بشنوید مبنی بر اینکه تمام کاری که خدا قرار است انجام دهد، داوری جهان است، اما اینطور نیست.

با وجود تمام دشمنی و خصومت جهان با خدا و شرارت ناامیدکننده‌ی حاکم آن، شیطان، شاید یکی از بزرگترین چیزهای شگفت‌انگیز در کتاب مقدس این باشد که با وجود همه اینها، جهان مورد عشق خداست. خدا خلقت خود را رها نکرده است، حتی اگر علیه او شده باشد. خدا پسرش را به جهانی که آفریده بود فرستاد و اگرچه اکثر آنها او را رد کردند، برخی او را پذیرفتند. بنابراین، خدا هنوز به مردم جهان اجازه می‌دهد که اگر عیسی را به عنوان ناجی خود بپذیرند، فرزندان او شوند و خدا به آنها تولد تازه و ظرفیتی می‌دهد تا بگویند قوم او هستند.

بنابراین، ما به آیات بسیار رایج در انجیل یوحنا برمی‌گردیم که مکرراً در یوحنا فصل ۱ آیه ۲۹ نقل شده‌اند. یحیی تعمید دهنده گفت: «اینک بره خدا که گناه جهان را برمی‌دارد.» یوحنا فصل ۳ آیه ۱۶: «خدا جهان را آنقدر محبت کرد.» در متون دیگر، نان حیات برای حیات جهان در فصل ۶ داده شده است: «من نور جهان هستم» فصل ۸ آیه ۱۲.

عیسی در فصل ۱۲ دوباره در مورد شیطان به عنوان حاکم جهان در آیات ۴۶ و ۴۷ بسیار واقع‌بینانه صحبت می‌کند. من به عنوان نوری به جهان آمده‌ام تا هر که به من ایمان آورد در تاریکی نماند. من به جهان نیامده‌ام تا جهان را داوری کنم، بلکه آمده‌ام تا جهان را نجات دهم (آیه ۱۲، آیه ۴۷).

بنابراین، خدا در حرکتی که به نظر من کاملاً بی‌سابقه و غیرمنتظره است، به جای اینکه دشمنانش در جهان را که با او مخالف هستند، در هم بکوبد، آغوش گرم خود را در شخص عیسی به سوی جهان دراز می‌کند و می‌گوید برگردید، برگردید پیش من و من دوباره پدر شما خواهم بود. و ما می‌بینیم که این اتفاق علیرغم خصومت جهان در اینجا رخ می‌دهد.

بنابراین، این بحث در مورد جهان را با اشاره مجدد به این نکته پایان می‌دهیم که عیسی با کار رهایی‌بخش خود بر روی صلیب بر آن غلبه کرده است. او قدرت شر را نابود کرده و به بشریت فرصت جدیدی برای مشارکت با خدا داده است. بنابراین او با قدرت رستخیز عیسی نشان داده است که از حاکم جهان قدرتمندتر است.

بنابراین، عیسی اکنون حاکم جهان را از میدان به در کرده است. او حاکم جهان است. و همانطور که شما همه این متون را کنار هم قرار می‌دهید و سعی می‌کنید آن را به یک سیستم مفهومی تبدیل کنید.

این موضوع واقعاً در مکاشفه به خوبی به تصویر کشیده شده است، جایی که عیسی به عنوان پیروز، به عنوان نسلی از قبیله یهودا توصیف شده است که دشمن را شکست داده و بر شر موجود در جهان غلبه کرده است. بنابراین، وقتی در انجیل یوحنا در مورد عیسی می‌خوانیم که می‌گوید او بر جهان غلبه کرده است، شگفت‌آور است. ما نه تنها مفهوم عمیق و عظیمی از غلبه داریم، بلکه توده عظیمی از شر در موجودیت جهان نیز وجود دارد که عیسی بر آن غلبه کرده است.

و می‌توانیم بقیه وقتمان را فقط صرف صحبت در مورد آن کنیم، اما باید به جلو حرکت کنیم. ما به طور خاص در انجیل یوحنا در مورد ایده جلال می‌خوانیم. و همانطور که دعای خداوند برای شاگردانش در فصل ۱۷ آغاز می‌شود، موضوع جلال بار دیگر مطرح می‌شود.

بنابراین، شایسته است که به پیشینه جلال در یوحنا و نحوه تجلی خداوند بر قومش نگاهی بیندازیم، که به نظر من با آنچه کتاب مقدس عبری از آن به عنوان جلال خداوند در نحوه عملکرد آن یاد می‌کند، مرتبط است. بنابراین، ما جلال خداوند را در خروج ۳۳ و ۳۴ می‌بینیم. موسی می‌خواست درک بهتری از آن داشته باشد.

ما تا این زمان جلال خدا را در خیمه‌ای که خدا به موسی دستور داد تا آن را بسازد، دیده‌ایم. خیمه‌ای که حضور خدا را به شکلی متحرک برای بنی اسرائیل در هر کجا که می‌رفتند، آشکار می‌کرد. اما این اشاره به موسی دارد که گمان می‌کنم فقط درک کامل‌تر، درک بهتری از اینکه خدا کیست، رابطه‌ای صمیمانه‌تر با تمام صفات خدا، به همان خوبی که او می‌توانست آنها را درک کند، می‌خواست. مطمئن نیستم که چگونه مفهوم جلال را دقیقاً تعریف کنیم، اما فکر می‌کنم مطمئناً می‌توانیم آن را به عنوان کمال آشکار شده وجود خدا توصیف کنیم.

بنابراین، مجموع تمام صفات خدا تا حدی که توسط انسان‌ها قابل درک است. تعالی خدا، شخصیت شگفت‌انگیز خدا که اگرچه به شکلی فیلتر شده، اما برای موجودات محدودی که خدا آفریده آشکار می‌شود. بنابراین، این جلال خدا خواهد بود.

بنابراین، به نظر من، برای جلال دادن خدا، باید به سادگی به خدایی با این کمال، با این شخصیت، با این ویژگی‌های وصف‌ناپذیر، اذعان کنیم، او را بشناسیم و در هیبت و پرستش او بایستیم. بنابراین، در افکار، در سخنان و در اعمال خود، تا جایی که این اعمال و افکار و گفتار به گونه‌ای انجام شوند که تمام جلال خدا و تمام کمال خدا را به این معنا تصدیق کنند، ما خدا را جلال می‌دهیم. بنابراین، وقتی به انجیل یوحنا

می‌رسیم، یکی از آموزه‌های اولیه آن که به نظر من بسیار مهم است، این است که عیسی کسی است که جلال خدا را آشکار کرده است.

فصل ۱ و آیه ۱۴. کلمه جسم گردید و در میان ما ساکن شد و ما جلال او را دیدیم. چند آیه بعد در آیه عیسی به عنوان کسی که تفسیر خداست توصیف شده است، ۱۸.

خدای یگانه. او کسی است که او را آشکار کرده است. بنابراین، عیسی آشکار کننده جلال خداست.

بنابراین، ما متون بسیار بسیار زیادی در انجیل یوحنا داریم. ما وقت نمی‌گذاریم تا به همه آنها که در آنها جلال خدا را می‌بینیم که توسط کلمات و اعمال عیسی آشکار شده است، نگاه کنیم. بنابراین، ما واقعاً نمی‌توانیم از جلال خدا صحبت کنیم مگر اینکه مستقیماً از خداوند عیسی مسیح صحبت کنیم.

جلال عیسی پس از رستاخیز، همان چیزی است که ما را به آمدن روح القدس هدایت می‌کند. در سال ۷۳۹ گفته شده است که روح القدس نمی‌تواند بیاید و هنوز به طور کامل عطا نشده است، زیرا عیسی جلال، نیافته است. هنگامی که عیسی جلال یافت و به جایگاه جلالی که از ازل نزد پدر در آسمان داشته است بازگشت، روح القدس به زمین فرستاده می‌شود تا از جایی که عیسی آن را رها کرده بود، ادامه دهد و جلال خدا را به رسولان آشکار کند.

بنابراین، وقتی شروع به مطالعه و خواندن باب ۱۷ یوحنا می‌کنید، بخش بعدی این را می‌بینید، زیرا دعای عیسی در یوحنا ۱۷ از جلالی که او نزد پدر داشت، به روشی صحبت می‌کند که به نظر من مطمئناً بسیار شگفت‌انگیز است. بنابراین، در آیه ۱۷، عیسی این را گفت، در حالی که به پدر نگاه می‌کرد و دعا می‌کرد پدر، ساعت فرا رسیده است، پسر را جلال بده، به عبارت دیگر، ستایش شایسته‌ای را برای پسر به ارمغان بیاور تا پسر تو را جلال دهد. این ما را به یاد مقدمه فرمان جدید در باب ۱۳ یوحنا، حدود آیات ۳۱ و ۳۲ می‌اندازد.

او می‌گوید که تو به او قدرت بر همه مردم عطا کردی تا به همه کسانی که به او داده‌ای، حیات جاودان ببخشد. اکنون این حیات جاودان است که تو را، خدای یگانه و یگانه، و عیسی مسیح را که فرستاده‌ای بشناسند. پس توجه کن که چگونه عیسی به خدمت خود نگاه می‌کند و آن را اینگونه توصیف می‌کند: من با به پایان رساندن کاری که به من سپردی، تو را بر روی زمین جلال داده‌ام.

اگر می‌خواهید بدانید که رسالت عیسی از دیدگاه عیسی در تفکر یوحنا چگونه است، این خلاصه‌ای از رسالت عیسی است. من با به پایان رساندن کاری که به من محول کرده بودید، برای شما در زمین جلال آوردم. بنابراین، عیسی در پاسخ به اینکه چگونه زندگی و رسالتش پدر را جلال داده است، از پدر می‌خواهد که اکنون به طور متقابل از پدر بخواهد که جلال را به او بازگرداند.

بنابراین، آیه ۵ می‌گوید، اکنون پدر، مرا در حضور خود جلال بده، همان جلالی که پیش از آغاز جهان نزد تو داشتم. ظاهراً این عیسی است که به پدر می‌گوید، من در شرف بازگرداندن به جایگاه ازلی‌ام، جلال آسمانی‌ام، آن کمالی هستم که زمانی در آسمان در کنار تو آشکار می‌کردم و آن را کنار گذاشتم تا انسان شوم، جسم شوم. بنابراین اکنون روش عیسی برای جلال دادن به خدا از جلال دادن به خدا در حالت تجسم، کلمه جسم شد، به جلال دادن به خدا و سهمیم شدن در کمال اخلاقی و ارزش خدا در مقامی آسمانی تغییر خواهد کرد.

بنابراین، وقتی عیسی اینجا می‌گوید، من می‌خواهم جلالی را که قبل از پیدایش جهان با شما داشتم، دوباره به دست آورم، به نظر من یکی از واضح‌ترین متون در انجیل یوحنا است که به ما توضیح می‌دهد که پیش از

وجود عیسی چگونه بوده است. با این حال، ما نمی‌توانیم جلال خدا را در انجیل یوحنا به طور کامل درک کنیم، مگر اینکه نقش یاور را در نظر بگیریم، زیرا عیسی می‌گوید وقتی او برود، ممکن است فکر کنیم که جلال خدا از بین رفته است و ما یک وضعیت ایخابود دیگر خواهیم داشت که در آن دیگر جلالی وجود ندارد، درست مانند زمانی که جلال از معبد عهد عتیق طبق کتاب حزقیال خارج شد. اما در فصل ۱۶ آیه به ما گفته شده است که یکی از کارهایی که تسلی‌دهنده، یاور، مدافع، پاراکلتوس، روح انجام خواهد داد، یکی از کارهایی که او طبق ۱۶:۱۴ انجام خواهد داد این است که مرا جلال خواهد داد زیرا از من است. که آنچه را که به شما اعلام خواهد کرد، دریافت خواهد کرد.

بنابراین، این یک جمله بسیار جالب در مورد نقش روح است. عیسی در جای دیگری گفته است که روح از خودش صحبت نخواهد کرد. روح قرار نیست مانند رهبر یک فرقه جدید شود.

روح القدس در رقابت با عیسی برای داشتن کلیسای بزرگتر از کلیسای عیسی نیست. بلکه روح القدس، نمی‌آید تا چیز جدیدی را شروع کند، بلکه می‌آید تا شاگردان را تجدید کند تا آنها آنچه را که گذشته است آنچه را که در زندگی و خدمت عیسی گذشته است، به یاد داشته باشند. در اینجا آمده است که او از من آنچه را که به شما اعلام خواهد کرد، دریافت خواهد کرد.

بنابراین، فارغ از اینکه بخواهیم ارزش نسبی و کار روح القدس را در کلیسا درک کنیم و تا چه حد خود را کاریزماتیک یا غیرکاریزماتیک یا پنتیکاستی یا غیرپنتیکاستی بدانیم، چیزی که همه ما می‌خواهیم بر سر آن توافق کنیم، فارغ از اینکه خود را در حال انجام کامل کار تثلیثی خدا در میان خود می‌بینیم، این است که در اینجا اذعان کنیم که کار روح القدس جلال دادن به عیسی است، نه اینکه ذات خودش باشد یا جنبش خودش را آغاز نکند. روح القدس مسیح‌محور است. روح القدس بر اولویت جلال دادن متمرکز است و به عیسی و کار عیسی مسیح به نمایندگی از کلیسا ارزش می‌دهد.

بنابراین، اگر روح در مورد این است، ما به عنوان پدران او باید در مورد چه چیزی باشیم؟ در فصل ۱۵ اشاره به میوه آوردن برای خدا در تشبیه تاک و شاخه‌ها، احتمالاً آیه پایانی این تشبیه و تعلیم عیسی در مورد آن، به ما گفته شد که این برای جلال پدر من است که شما میوه زیادی بیاورید و خود را به عنوان شاگردان، من نشان دهید. بنابراین تمام فراوانی که در مسیح از آن ماست و روشی که می‌خواهیم برای او میوه بیاوریم یعنی نه تنها افرادی که ما برای خیر تحت تأثیر قرار می‌دهیم و از طریق خدمت ما مسیحی می‌شوند، بلکه تمام شخصیت مسیح گونه‌ای که می‌توانیم در جهان آشکار کنیم تا مردم بتوانند مسیح را در ما ببینند، تمام این میوه‌ها به وسیع‌ترین معنای ممکن، همه اینها صرفاً برای خودمان یا برای فرقه یا جنبش ما یا هر چیز دیگری انجام نمی‌شود، همه اینها در نهایت برای جلال دادن پدر انجام می‌شود. بنابراین همانطور که یاور می‌آید تا همچنان عیسی را در اولویت قرار دهد و همچنان او را جلال دهد و برتری او را تصدیق کند، ما نیز قرار است همین کار را انجام دهیم.

قرار است ما افرادی باشیم که با روح هماهنگ هستیم و روح با عیسی هماهنگ است. بنابراین، اگر روح مسیح‌محور است، پس بهتر است ما هم با روح هماهنگ شویم و دقیقاً همان باشیم. وقتی دعای عیسی را در یوحنا ۱۷ می‌خوانیم، چیزهای زیادی وجود دارد که می‌توانیم در مورد این دعا صحبت کنیم.

به نظر من، یک راه برای فهمیدن آن، فقط نگاه کردن به نحوه توصیف جهان و رابطه شاگردان با جهان در این فصل است. یکی از چیزهایی که باید با آن شروع کنیم، توجه به این نکته است که در آیه ۱۷:۶ عیسی پاسخ می‌دهد و می‌گوید: ببخشید، من در فصل اشتباهی هستم. عیسی در آیه ۱۷:۶ می‌گوید: من تو را آشکار کرده‌ام، یعنی تو را ای پدر، به کسانی که از جهان به من عطا کردی، آشکار کرده‌ام.

آنها از آن تو بودند و تو آنها را به من دادی. آنها از کلام تو اطاعت کرده‌اند. هر برداشتی که از این ایده داشته باشی که پدر، مؤمنانی را از جهان به عیسی می‌دهد، گمان می‌کنم از نظر الهیاتی، اصطلاحی که برای این موضوع خواهیم داشت، آموزه برگزیدگی باشد.

با این حال، شما این را درک می‌کنید، باید آن را به عنوان روشی که شاگردان به عنوان پیروان عیسی هویت دارند، درک کنید. این فقط ایده ما نیست که می‌خواهیم از او پیروی کنیم. مطمئناً همینطور است، اما این ایده خدا مدت‌ها قبل از اینکه ایده ما باشد، بوده است.

بنابراین، عیسی می‌گوید اگر ما پیرو عیسی هستیم، افرادی هستیم که خدا از جهان به او بخشیده است. بنابراین، ما هویت خود، مأموریت خود و ارزش‌های خود را دیگر نه با خواندن روزنامه، بلکه با خواندن کتاب مقدس پیدا می‌کنیم. ما جهان‌بینی خود را با نگاه کردن به اطرافمان و یافتن هر آنچه در جهان مفید است، به دست نمی‌آوریم.

ما آن را به دست می‌آوریم، اساسی‌ترین ارزش‌هایمان و چیزهایی که گرامی می‌داریم، چیزهایی که برای آنها تلاش می‌کنیم، این را از دیدگاه وحیانی خداوند به دست می‌آوریم. بنابراین، به زبان الهیاتی، ارزش‌های ما به معنای ذاتی و درون‌ماندگار از جهان نمی‌آیند، بلکه ارزش‌های ما متعالی هستند. آنها از وحی خداوند در کتب مقدس سرچشمه می‌گیرند.

خدا ما را از جهان برگزیده است. ۱۷:۹، عیسی سخن مشابه دیگری می‌گوید، من برای آنها دعا می‌کنم. من برای جهان دعا نمی‌کنم، بلکه برای کسانی که به من داده‌ای دعا می‌کنم، زیرا آنها از آن تو هستند.

اکنون می‌دانیم که خدا جهان را دوست دارد. او تمام این سیاره پر از انسان را دوست دارد، که بسیاری از آنها اراده او را انجام نمی‌دهند و از او پیروی نمی‌کنند. و ما می‌دانیم که با وجود همه اینها، خدا جهان را دوست داشت و پسرش را فرستاد تا به او ایمان بیاورد.

اما وقتی متنی مانند ۱۷:۹ را می‌خوانیم، متوجه می‌شویم که خدا رابطه‌ی ویژه‌ای با مؤمنان دارد. و عیسی می‌گوید من برای آنها شفاعت می‌کنم. من برای آنها دعا می‌کنم.

من به این معنای خاص برای دنیا دعا نمی‌کنم. بنابراین، خداوند برای پیروانش ارزش ویژه‌ای قائل است و عیسی به طور خاص برای آنها شفاعت می‌کند. بنابراین، ما نه تنها همانطور که خوانده‌ایم از دنیا برگزیده شده‌ایم، بلکه آیه ۱۱ می‌گوید که مؤمنان به عیسی هنوز در دنیا هستند.

من دیگر در این دنیا نخواهم ماند، اما آنها هنوز در این دنیا هستند. شنیده‌ام که می‌گویند بعضی از مردم آنقدر ذهن آسمانی دارند که از نظر زمینی خوب نیستند. شاید این نوع افراد متوجه شده‌اند که کتاب مقدس می‌گوید خدا مؤمنان را از این دنیا برگزیده است.

شاید، با این حال، آنها نخوانده‌اند که هنوز باید در جهان بمانند. بنابراین، نوعی پارادوکس در این عبارات وجود دارد. به نوعی این حس وجود دارد که مؤمنان خارج از جهان نیستند.

آنها از دنیا نیستند. آنها هویت نهایی، نظام ارزشی و اهداف زندگی خود را از ارزش‌های دنیا نمی‌یابند. با این حال، آنها در دنیا هستند.

بنابراین ما در جهان هستیم، اما از جهان نیستیم. بنابراین، ما به ادامه مطلب می‌پردازیم و به برخی از عبارات، جالب دیگر در اینجا توجه می‌کنیم. ۱۷:۱۴، من کلام تو را به آنها داده‌ام و جهان از آنها متنفر بوده است، زیرا آنها از جهان نیستند، همانطور که من از جهان نیستم.

بنابراین، ما نیز باید از ارزش‌های والای عیسی در رسالتش و اهدافی که برای خشنودی پدر داشت، بهره‌مند شویم. ما بزرگترین شادی خود را در وفق دادن خود با ارزش‌های دنیوی نمی‌یابیم. ما بزرگترین شادی خود را در زندگی‌ای می‌یابیم که مورد پسند خدا و پسرش، عیسی مسیح، باشد، حتی اگر با آزار و اذیت همراه باشد.

دوباره تکرار می‌شود که ایمانداران به عیسی از جهان نیستند، همانطور که او از جهان نیست. با این، ۱۷:۱۶، حال، در همان زمان، فصل ۱۷، آیه ۱۸ می‌گوید، همانطور که تو مرا به جهان فرستادی، من نیز آنها را به جهان می‌فرستم. بنابراین، وقتی سعی می‌کنید همه این گزاره‌ها را متعادل کنید، ایمانداران از جهان نیستند بلکه از جهان برگزیده شده‌اند، با این حال آنها در جهان هستند و به جهان فرستاده شده‌اند.

بنابراین به یک معنا، مسیحیان باید دنیوی باشند، اینطور فکر نمی‌کنید؟ زیرا اگر نتوانیم با افرادی که در این دنیا هستند ارتباط برقرار کنیم، نمی‌دانیم از کجا آمده‌اند و نمی‌توانیم با آنها به زبان خودشان صحبت کنیم، همانطور که عیسی قطعاً با معاصران خود به زبان خودشان صحبت می‌کرد. اگر نتوانیم این کار را انجام دهیم، آنگاه فردی خواهیم بود که آنقدر ذهن آسمانی دارد که از نظر زمینی خوب نیست. فکر می‌کنم سوال این است که آیا بزرگترین خطری که کلیسا با آن مواجه است، یکی است یا دیگری.

آیا ما آنقدر ذهن آسمانی داریم که دیگر خوب زمینی نیستیم یا آنقدر ذهن زمینی داریم که خوب آسمانی نیستیم؟ بنابراین، وقتی به این فکر می‌کنیم که چگونه دیگر هویت نهایی خود را در این دنیا پیدا نمی‌کنیم، هویت نهایی خود را در خدا می‌یابیم، همانطور که او خود را در مسیح آشکار کرده است، در عین حال، متوجه می‌شویم که اراده خدا این نیست که ما را از دنیا بیرون ببرد یا ما به عنوان یک کلیسا زندگی کنیم حداقل یک سبک زندگی رهبانی و کاملاً جدا از دنیا. زیرا اگر با دنیا تعامل نداشته باشیم، هرگز به عنوان فرستادگان عیسی که به دنیا فرستاده می‌شوند، هیچ کار خوبی انجام نخواهیم داد. بنابراین، من فکر می‌کنم همه این مقدمات کاملاً شگفت‌انگیز هستند و تعمق در پیامدهای آنها به ما غذای زیادی برای تفکر می‌دهد و برای درک آنچه باید در زندگی در دنیا انجام دهیم ارزشمند خواهد بود.

همانطور که بحث جهان را به پایان می‌رسانیم، توجه داشته باشید که همانطور که شاید همه این حروف، اضافه را بفهمیم و بفهمیم که چگونه کار می‌کند که ما از جهان نیستیم، حتی اگر به آن فرستاده شده باشیم وحدت ما، ۱۷۲۱، عاملی در آوردن مردم به ایمان خواهد بود. عیسی می‌گوید من دعا می‌کنم که همه آنها در ۱۷۲۱ یکی باشند. فقط، پدر، همانطور که تو در من هستی و من در تو هستم، باشد که آنها نیز در ما باشند تا جهان ایمان آورد که تو مرا فرستاده‌ای.

خدا هنوز به این دنیا علاقه دارد، هرچند اذعان دارد که با او دشمنی دارد. در واقع، خدا می‌خواهد پیروانش چنان با مسیح و با یکدیگر متحد باشند که جهان ببیند که آنها با جهان متفاوت هستند و جهان را به ایمان جذب کنند. با نزدیک شدن به پایان دعا در ۱۷:۲۵، عیسی بار دیگر برای آن دعا می‌کند.

ای پدر عادل، اگرچه جهان تو را نمی‌شناسد، من تو را می‌شناسم و آنها می‌دانند که تو مرا فرستاده‌ای. من تو را به آنها شناسانده‌ام و همچنان خواهم شناساند، و نه اینکه عشقی که تو به من داری در آنها باشد و من، خودم در آنها باشم. این آخرین سخنان عیسی درباره شاگردانش در انجیل یوحنا است، و در ادبیات روایی یک اصل تأکید بر پایان وجود دارد که شما تمایل دارید به یاد داشته باشید که بخش‌های مختلف ادبیات را به پایان می‌رساند.

بنابراین، فکر می‌کنم کاملاً عاقلانه است که بر آنچه در اینجا گفته می‌شود تأکید و توجه کنیم. عیسی خدمت خود را با این جمله خلاصه می‌کند: «من تو را به آنها شناساندم.» او می‌گوید که من همچنان تو را خواهم شناساند.

به نظر من، این باید کار مداوم عیسی از طریق روح القدس را در زندگی مؤمنان در کلیسا فرض کند. ادامه شناساندن عیسی، ادامه شناساندن پدر به شاگردان به این منظور انجام می‌شود که عشقی که خدا به عیسی دارد، به قول متن، عشقی که شما به من دارید، در آنها باشد و من خودم در آنها باشم. باز هم، به نظر من تمام این زبان، کار مداوم روح القدس را در زندگی مؤمن به عنوان حضور مداوم عیسی در میان کلیسا فرض می‌کند.

بنابراین به عنوان آخرین نظرم در مورد گفتمان عیسی در بالاخانه، فکر می‌کنم می‌توانیم از منظر رسالت به همه اینها فکر کنیم. به نظر من وقتی آنچه عیسی برای شاگردان انجام داده و آنچه در یوحنا ۱۳-۱۷ به شاگردان گفته است را در نظر می‌گیریم، چیزی را تشکیل می‌دهد که می‌توان آن را یک دفاعیه نهایی نامید. منظورم این است که کلیساهای مختلف در جهان به خاطر ویژگی‌های متمایزشان شناخته می‌شوند و بسیاری از آنها بسیار خوب هستند.

برخی از کلیساهای به این معروفند که بسیار نگران اصول اعتقادی و درک درست خدا و درک صحیح کتاب مقدس هستند. مطمئناً، این یک جنبه حیاتی کلیسا است. اگر کلیسا پیامی نامشخص به جهان می‌دهد، اگر پیام آن با توجه به کتاب مقدس واضح و صحیح نباشد، برای جهان ارزش کمی دارد یا اصلاً ارزشی ندارد.

بعضی از کلیساهای به عنوان مکان‌هایی شناخته می‌شوند که در آنها عطایای معنوی به وضوح به کار گرفته می‌شوند. نظر شما در مورد این موضوع چیست؟ از نظر عطایای به ظاهر فروتنانه‌تر خدمت یا انواع چشمگیرتر عطایای کاریزماتیک؟ من واقعاً بین این دو تمایز قائل نمی‌شوم. بعضی از کلیساهای کلیساهایی هستند که روح القدس به وضوح در آنها حضور دارد، با این حال، شما می‌خواهید آن را تعریف کنید، و این هم چیز خوبی است.

بعضی از کلیساهای به کلیساهایی معروف هستند که با اعضا، افرادی که به آنجا می‌روند، به خوبی رفتار می‌شود و مانند یک خانواده هستند. این کلیسایی است که می‌توانید به آنجا بروید و واقعاً در آن رشد کنید. نیازهایتان برآورده شود، و در آنجا به شما اهمیت می‌دهند، و می‌دانید که وقتی به آنجا می‌روید، دوست داشته خواهید شد. بدیهی است که این چیز بسیار مهمی است.

کلیساهای دیگر به خاطر ارتباطشان با جامعه شناخته شده‌اند و این امر به وضوح ضروری است. اگر ما با افراد نیازمند ارتباط برقرار نکنیم، آنها چگونه می‌توانند از کارهایی که عیسی برای ما انجام داده است، مطلع شوند؟ بنابراین، همه این موارد خوب و مناسب و ضروری هستند، اما هیچ یک از این موارد چیزهایی نیستند که عیسی مستقیماً در این گفتار بر آنها تأکید کرده باشد. عیسی در وداع با قوم خود، ابتدا بر موضوع عشق تمرکز کرد.

همانطور که من شما را با روابط محبت‌آمیزتان، با ماهیت متقابل عشق در کلیسا، دوست داشته‌ام، شما نیز یکدیگر را دوست داشته باشید. اینگونه همه خواهند فهمید که شما شاگردان من هستید. بنابراین، این نصیحتی از عیسی به شاگردان است.

در واقع، این تقریباً اولین چیزی است که او به آنها گفت، زمانی که یهودا گروه را ترک کرد، و اکنون او به جای ۱۲ نفر با ۱۱ نفر صحبت می‌کند. بنابراین، اولین چیزی که او به شاگردانی می‌گوید که اکنون به دلیل اینکه او به آنها گفته است که من می‌روم و شما نمی‌توانید بیایید، سوگوار خواهند بود. اولین چیزی که او به

آنها می گفت که بیشترین نیاز آنها را برآورده می کرد، چه بود؟ اولین چیزی که عیسی در مورد نحوه رفتار در غیابش به آنها می گوید این است که یکدیگر را دوست داشته باشند.

بدیهی است که این امر پیامدهای داخلی خواهد داشت. آخرین چیزی که می خواهید پس از رفتن عیسی ببینید این است که کلیسا به یکدیگر اهمیت ندهد و به احزاب فرقه‌ای مختلف یا حتی افرادی که با یکدیگر می‌جنگند، تقسیم شود. بدیهی است که این خوب نخواهد بود، اما نکته‌ی اصلی حرف او این نیست.

او نمی گوید که یکدیگر را دوست بدارید، همانطور که من شما را دوست داشته‌ام، تا متلاشی نشوید. او می گوید که یکدیگر را دوست بدارید، همانطور که من شما را دوست داشته‌ام، تا بتوانید ارتباط معناداری با جهان برقرار کنید. به این ترتیب، همه خواهند فهمید که شما شاگردان من هستید.

سپس پس از بخش اصلی گفتار، که بر آمدن تسلی‌دهنده، یاور، پاراکلیت و روح‌القدس تأکید دارد، برای تجهیز شاگردان و حفظ حضور عیسی در کنار آنها و قادر ساختن آنها به چسبیدن به عیسی و پایداری در او و ثمر آوردن میوه‌های فراوان زیرا جدا از او شما قادر به انجام هیچ کاری نیستید، در انتهای گفتار، جایی که عیسی برای شاگردان دعا کرده است، نه نصیحت آنها مانند یوحنا ۱۳، بلکه دعا برای آنها در یوحنا ۱۷. تقریباً هدف نهایی دعای او به پدر این است که او می‌خواهد شاگردان یکی باشند همانطور که ما یکی هستیم. من این را بسیار شگفت‌انگیز می‌دانم. شگفت‌انگیز است که عیسی گفت ما باید یکدیگر را دوست داشته باشیم همانطور که او ما را دوست داشته است، به خصوص وقتی می‌دانیم که اگر کمی در یوحنا این را دنبال کنیم، روشی که او ما را دوست داشته است، روشی است که پدر او را دوست داشته است.

بنابراین، نتیجه‌ی نصیحت اولیه این است که نوع عشقی که مسیحیان با یکدیگر می‌دهند و می‌گیرند، همان نوع عشقی است که پدر و پسر با یکدیگر دارند. بنابراین، در پایان، وقتی او دعا می‌کند، عیسی دعا می‌کند که قومی یکی باشند و او نمی‌گوید که آنها ممکن است یکی باشند، مثلاً یک باشگاه ماشین‌های عتیقه ممکن یا چیزی شبیه به آن علاقه دارند. نه اینکه مشکلی در این مورد T است یکی باشد زیرا همه آنها به فوردمدل وجود داشته باشد، اما آنچه عیسی می‌گوید بسیار شگفت‌انگیزتر و عمیق‌تر است، فکر نمی‌کنید؟ اینکه آنها ممکن است یکی باشند همانطور که ما یکی هستیم تا جهان باور کند که تو مرا فرستاده‌ای.

حال، وحدتی که قرار است دوباره به جهان نشان دهیم، آن نوع وحدتی نیست که فقط معطوف به یک آرمان خاص باشد. ما احزاب و باشگاه‌های سیاسی و انواع گروه‌های حمایتی زیادی داریم که در کنار هم ایستادن برای یک آرمان خاص کاملاً خوب هستند. اما وحدتی که عیسی در اینجا از آن صحبت می‌کند و جهان را به این باور سوق می‌دهد که نوعی زندگی مشترک، وحدت و یگانگی است که توسط او و پدر به اشتراک گذاشته شده است.

باز هم، فکر نمی‌کنید این شگفت‌انگیز است که همانطور که ما باید یکدیگر را با همان نوع عشقی که تثلیث به یکدیگر عشق می‌ورزد، دوست داشته باشیم، ما نیز باید یکی باشیم، همانطور که تثلیث یکی است؟ من این را چیزی کمتر از شگفت‌انگیز نمی‌دانم که عیسی این چیزها را در فصل ۱۳ به ما می‌گوید و در فصل ۱۷ به همین شکل برای ما دعا می‌کند. این چیزی است که فکر نمی‌کنم در الهیات اصلاح‌شده زیاد در مورد آن شنیده باشم، به خصوص از دیدگاه تمایز خالق-مخلوق.

اینکه عشق ما به یکدیگر و وحدت ما با یکدیگر بر اساس روابط بین تثلیثی الگوبرداری شود، تقریباً شبیه بدعت به نظر می‌رسد. اما آموزه‌ای وجود دارد که من در جنبه‌ی رابطه‌ای تثلیث، تثلیث اجتماعی، و نحوه‌ی نام دارد، به (perichoresis) رستگاری ما توسط تثلیث شنیده‌ام. اصطلاحی که من شنیده‌ام پری‌کورسیس این معنی که کاری که یک شخص از تثلیث انجام می‌دهد، توسط سایر اشخاص تثلیث نیز به اشتراک گذاشته می‌شود، یعنی یک وحدت درونی وجود دارد و آنها جدا از یکدیگر عمل نمی‌کنند.

فکر می‌کنم یک راه پی‌برده برای بیان این موضوع این است که ما به سه خدا، سه‌خدایی، اعتقاد نداریم، ما به یک خدای سه‌گانه متشکل از سه شخص اعتقاد داریم که در مورد یک چیز هستند. نکته قابل توجه در مورد یوحنا ۱۳ تا ۱۷ این است که اصول این گفتمان اساساً به ما به عنوان مؤمنان می‌گوید که تعهد ما به یکدیگر و اتحاد ما با یکدیگر و مراقبت از رفاه یکدیگر باید بر اساس رابطه الهی انجام همان کارها الگوبرداری شود. و ممکن است بگوییم، خب، این غیرممکن است، ما صرفاً مخلوق هستیم، ما سقوط کرده‌ایم، ما این هستیم، ما آن هستیم، ما خدا نیستیم.

بدیهی است که همینطور است. اما خدا از طریق عیسی، از طریق رسول محبوب و برگزیده‌اش، شاگرد محبوبش، یوحنا، اکنون این تشبیه را انجام داده و به ما می‌گوید که باید در الگو قرار دادن روابط خود بر اساس الوهیت سه‌گانه جدی باشیم. دلیل اینکه خدا می‌تواند این را از ما بخواهد و از ما انتظار داشته باشد این است که در ابتدا، خدا ما را به تصویر خود آفرید.

بنابراین، برای خدا زیاد نیست که از حاملان تصویر محدود خود بخواهد به گونه‌ای زندگی کنند که الگوی خالق نامحدودی باشند که حاملان تصویر را از ابتدا آفریده است. بنابراین، همانطور که به نحوه ارتباط خود با دوستان خود در مسیح، برادران و خواهران خود در مسیح در روابط مختلف، افرادی که با آنها به کلیسا می‌روید، افراد گروه کوچک شما، افراد در مطالعه کتاب مقدس شما، همسایگان خود، هر کسی که خداوند را می‌شناسد، فکر می‌کنید، فقط به این فکر کنید که برای اینکه ما کاملاً آنچه را که یوحنا در اینجا در اتاق بالا، در سخنرانی خداحافظی به ما می‌گوید، درک کنیم، برای اینکه ما کاملاً قوم خدا در زندگی در این دنیا باشیم، برای اینکه از آن دسته افرادی باشیم که افراد دیگری که مسیح را نمی‌شناسند متوجه شوند و قدردانی کنند و فکر کنند که آن افراد حتماً چیزی در پیش دارند، شاید من باید به این موضوع توجه کنم برای اینکه این اتفاق بیفتد، ما باید از آن دسته افرادی باشیم که یکدیگر را دوست دارند همانطور که مسیح ما را دوست داشت، همانطور که خدای پدر او را دوست داشت، و افرادی که همان وحدت عمیق و درونی عمیقی را که توسط پدر و پسر به نمایش گذاشته می‌شود، به نمایش می‌گذارند.

برای من واضح است که با توجه به متن یوحنا ۱۳ تا ۱۷، تنها راهی که می‌توانیم تا ۱۰۰ مایل از این نوع افراد فاصله بگیریم این است که اجازه دهیم حضور مداوم عیسی از طریق روح القدس در زندگی ما حکومت کند و ما را به سمت سکونت کامل‌تر در تاک هدایت کند.

این دکتر دیوید ترنر و آموزه‌های او در مورد انجیل یوحنا است. این جلسه ۱۸، گفتمان وداع، آموزه‌هایی در مورد غم و اندوه و دعای پایانی است. یوحنا ۱۶:۱۶-۱۷:۲۶.